فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۴، صفحات ۹-۳۴

راهبردهای توسعه‌ی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع): ابعاد و مؤلّفه‌ها

حسن ملکی[۱]، فخرالسادات هاشمیان[۲]، جواد آقامحمّدی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۲

چکیده

توسعه‌ی فرهنگی هم معلول و هم زمینه‌ساز توسعه است؛ به‌گونه ای که در پرتو آن، سایر ابعاد توسعه نیز زمینه‌ی بروز و ظهور پیدا می‌کنند و جامعه به سوی رشد و کمال رهنمون می‌گردد. در جامعه‌ی دینی و اسلامی که ماهیّت ارزش‌های فرهنگی آن را آموزه‌های الهی تشکیل می‌دهد، دین و فرهنگ رابطه‌ای تنگاتنگ و در هم تنیده دارند؛ به بیان دیگر، اسلام به‌منزله‌ی دین جامع، مدّعی پاسخ‌گویی به همه‌ی نیازهای بشر و دارای برنامه‌ی زندگی برای همه‌ی انسان‌هاست. بنابراین هدف پژوهش حاضر آن است که با بهره‌گیری از فضای معنوی و بینشی متون دینی و اسلامی چون نهج‌البلاغه و با استفاده از شاخص‌های راهبردی و مؤلّفه‌های فرهنگیِ پیشنهادی از سوی دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به بررسی نظری اهداف و شاخص‌های توسعه و تعالی فرهنگی در پرتو سخنان امام علی(ع) بپردازد. در این زمینه با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با الهام از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)، شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی تفسیر و تبیین و برجسته گردید. یقیناً با جریان یافتن آموزه‌های دینی در فرهنگ مسلمانان، امّت اسلامی عزّت و شکوه واقعی خویش را احراز خواهد کرد و به مراحل عالی‌تری از پیشرفت و ترقّی در ابعاد مادّی و معنوی دست خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: توسعه، فرهنگ، شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی، فرهنگ علوی، امام علی ابن ابی‌طالب (ع).

[۱] استاد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علّامه طباطبایی تهران malaki_cu@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری مدیریّت آموزشی دانشگاه علّامه طباطبایی تهران (نویسنده‌ی مسؤول) fa_hashemian@yahoo.com

[۳] دانشجوی دکتری مدیریّت آموزشی دانشگاه علّامه طباطبایی تهران، آموزش و پرورش کردستان Javad_am_59@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدّمه و طرح مسأله

بی‌شک والاترین عنصری که در موجودیّت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویّت و موجودیّت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد، پوچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته به فرهنگ غرب و مرتزق از آن باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش می‌یابد و سرانجام در آن مستهلک می‌شود و موجودیّت خود را در همه‌ی ابعاد از دست می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶/۱۵). توسعه‌ی فرهنگی مفهوم جدیدی در ادبیّات توسعه است که نخستین بار در دهه‌ی هفتاد قرن بیستم از سوی یونسکو به‌وجود آمد و سپس به‌سرعت گسترش یافت. توسعه‌ی فرهنگی در کوتاه‌ترین زمان چنان اهمّیّت یافت که یونسکو سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۹۸ را «دهه‌ی جهانی توسعه‌ی فرهنگی» نام نهاد. مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و اهمّیّت توسعه‌ی فرهنگی عبارتند از: آشکار شدن ابعاد منفی و مخرّب توسعه‌ی اقتصادی، شکست و ناکامی تلاش‌های نوگرایانه‌ی کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه با الگوی توسعه‌ی غربی و بدون توجّه به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خودی. بی‌تردید بسته به جوامع مختلف عوامل فراوان و متنوّعی با درجات متفاوت از میزان اثرگذاری را می‌توان در این زمینه شناسایی و دسته‌بندی کرد، امّا در جامعه‌ای دینی و اسلامی که ماهیّت ارزش‌های فرهنگی آن را آموزه‌های الهی تشکیل می‌دهد، دین یکی از عوامل مهم و بنیادی است. رشد و توسعه‌ی اقتصادی یا سیاسی بدون توجّه به ارزش‌های والای فرهنگی، می‌تواند موجبات سستی و ناراستی در اصول اعتقادی و ملّی جامعه را فراهم آورد.

آن چه توسعه‌ی اقتصادی را به چالش کشیده، هدف اصلی آن یعنی تسلّط بر طبیعت و افزایش توانمندی‌های اقتصادی بدون توجّه به پیامدها و کارکردهای منفی و مخرّب آن بوده است. در کشورهای توسعه‌یافته منفعت و رشد اقتصادی ویرانگر در کانون توجّه قرار دارد، امّا از نظر اسلام رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در خدمت رشد و تعالی اخلاق و کمالات انسانی و آزادی از تعلّقات نفسانی است؛ به بیان دیگر، در تفکّر اسلامی توسعه‌ی مادّی صِرف که دور از کمالات و اخلاق انسانی، تربیت، معنویّت و حیات طیّبه است، مطلوبیّت ندارد. اگر دنیای متمدّن امروز، پس از یک دوره‌ی طولانی سعی و خطا، از توسعه‌ی انسانی محض به توسعه‌ی فرهنگی روی آورده است، در آموزه‌های اسلامی از ابتدا توسعه فقط در بستر فرهنگ و ارزش جامعه ارزشمند شمرده شده و مورد تأیید قرار گرفته است. در دنیای معاصر راه دست‌یابی به استقلال، خودکفایی، عزّت و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اقتدار، افزایش سطح فکری، توانمندی‌های علمی و ترویج روح عقل‌گرایی و علم‌گرایی در سایه‌ی دین مبین اسلام است (سعادت، ۱۳۸۹: ۱۵۶). از این رو، تنها راه نجات از فقر و عقب‌ماندگی و دست‌یابی به عدالت و آزادی برای جامعه‌ای معتقد و باایمان، بالا بردن سطح فکری و علمی جامعه است (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۵۲). چون توسعه‌ی غربی بر بنیادهایی چون انسان‌محوری، فراموشی دین و آخرت، لذّت‌گرایی و مصرف‌گرایی استوار است، در کنار دستاورد فنّی، پیامدهای شکننده‌ای را در ابعاد زیست‌محیطی، فرهنگی، اخلاقی و خانوادگی به دنبال داشته است. توسعه‌ی فرهنگی، یک تحوّل فرهنگی است که در جامعه‌ی اسلامی به‌شدّت به تحوّل در ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای مؤمنان بستگی دارد. بنابراین در حوزه‌ی فرهنگ مسلمانان با استفاده‌ی عالمانه و عاقلانه از رهنمودهای دین مبین اسلام، بی‌تردید توسعه‌ی فرهنگی شکوفا خواهد شد و در پی آن، توسعه در ابعاد دیگر نیز به ارمغان خواهد آمد و عزّت و شکوهمندی امّت اسلامی را به مسلمانان هدیه خواهد داد. مهم‌ترین آموزه‌هایی که در پرتو آن‌ها توسعه‌ی فرهنگی تحقّق می‌یابد و مورد تأیید دین مقدّس اسلام نیز است، عبارتند از: نگرش علمی و عقلی به مسائل و پدیده‌های این جهانی، پرهیز از جزم‌اندیشی، آمادگی برای تغییر و تحوّل و نوآوری، توجّه جدّی به دنیا و مسائل مادّی، تعهّد نسبت به کار و تلاش، تعامل فعّال و سالم با فرهنگ‌های دیگر و باور به کرامت انسانی و آزادی بیان (سعادت، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای مسلمان مانند ایران که به دنبال مدلی مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت هستند، استفاده از مدلی که ریشه در مذهب آنان داشته باشد، کارساز است. در نظر بسیاری از دانشمندان دنیای اسلام، سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع)، پس از قرآن کریم، والاترین سخنان از جهت فصاحت، بلاغت، محتوا، غنا و جامعیّت است. توسعه‌ی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع) نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که وسیله‌ای برای تعالی انسانی در نظر گرفته می‌شود. با توجّه به انطباق سخنان امام علی (ع) با مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کشور ما، به‌نظر می‌رسد مدل پیشرفت و تعالی مستخرج از رهنمودهای این امام بزرگوار، می‌تواند به‌عنوان مدلی برای رسیدن به پیشرفت و تعالی مورد توجّه قرار گیرد. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از شاخص‌های راهبردی و ابعاد و مؤلّفه‌های فرهنگیِ پیشنهادی از سوی دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به بررسی اهداف و شاخص‌های توسعه و تعالی فرهنگی در پرتو سخنان امام علی (ع) بپردازد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث هدف، توسعه‌ای و کاربردی و هدف آن توسعه‌ی دانش کاربردی در زمینه‌ای خاص (توسعه‌ی فرهنگی) است. ابتدا به روش تفسیری، شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی در مکتب علوی بیان و سپس به شیوه‌ی کتابخانه‌ای سعی شده است این فرضیه بررسی شود که توسعه‌ی فرهنگ علوی، راهی مطمئن و عملی برای دست‌یابی به توسعه‌ی فرهنگی جوامع اسلامی است. در بخش‌هایی از تحقیق، به شیوه‌ی پژوهش‌های تاریخی، از روش اسنادی برای بسط موضوع استفاده شده است. بنابراین، از مجموعه سخنان به‌جای مانده از حضرت علی (ع)، به‌مثابه بازپردازی نظری فرهنگ توسعه‌یافته، بهره گرفته شد. ضمن این که برحسب موضوع، دیدگاه‌های امام (ع) درباره‌ی مقوله‌های فرهنگی با بهره‌گیری از واژگان و شاخص‌های معیّنی (مؤلّفه‌های پیشنهادیِ دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی)، در ارتباط با این حوزه تفکیک گردید.

مبانی نظری و مفهوم‌شناسی

بر اساس تعریف سازمان ملل متّحد، توسعه فراگردی است که با یکپارچه‌سازی کوشش‌های مردم و دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، آن‌ها را قادر به مشارکت در پیشرفت ملّی می‌سازد (اجیو و دیگران، ۲۰۱۳؛ داب، ۱۹۹۰: ۵۶). توسعه بر اساس توافق ایجاد شده در کنفرانس بین‌المللی رفاه اجتماعی در سال ۱۹۷۲، عبارت است از جریانی پیوسته، منظّم و واحد که هدف آن منبعث از آرمان‌ها و تمایلاتی است که مردم برای خود و جامعه‌ی خود طلب می‌کنند (میرزایی، ۱۹۷۶: ۱۹)؛ به بیانی دیگر، توسعه فرایندی است که در آن، در کیفیّت و کمّیّت زندگی فردی و اجتماعی انسان بر مبنای اندیشه‌ی ناب اسلامی تحوّل اساسی پدید می‌آید تا نیازهای اساسی انسان (نیازهای مادّی و معنوی) را در همه‌ی ساحت‌های زندگی‌اش تأمین کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۶۲).

منظور از پیشرفت[1] و تعالی، تغییری همه‌جانبه و چندبعدی است که ابعاد زندگی اجتماعی انسان را با استفاده از یک چارچوب نظری و برنامه‌ی عملی واحد، متحوّل می‌سازد. بنابراین، آرمان توسعه فقط پیشرفت اقتصادی یک ملّت نیست و افزون بر آن، اصلاح نحوه‌ی ارائه‌ی خدماتی برای بهبود وضعیّت آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین اجتماعی، اشتغال و توزیع عادلانه‌ی ثروت را نیز می‌توان جزء اهداف توسعه قرار داد؛ به‌گونه‌ای که قدرت همه‌ی افراد جامعه در انتخاب و

[1] Progress

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل مهمّ زندگی افزایش یابد (جوهانسون و فیلیپینی، ۲۰۱۳: ۹۷؛ سرز[1]، ۱۹۶۹: ۵۶-۵۹). با این تفاسیر می‌توان گفت توسعه امری چندبعدی و چندجانبه و متّکی بر هدف اصلی پرورش انسان است.

هگل[2] فرهنگ[3] را نشانه‌ی رشد، کمال و ارتقای جامعه‌ی انسانی به سطحی متعالی و دست‌یابی به آزادی و نیز هویّت‌یابی انسان می‌داند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۲۳). فرهنگ، شیوه‌ی انتخاب‌شده برای کیفیّت زندگی است که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به‌وجود می‌آید (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۴). تایلر[4] در اثر خود موسوم به فرهنگ بدوی، فرهنگ را در معنای وسیع قوم‌نگارانه‌ی آن، کلّیّت پیچیده‌ای می‌داند که شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاقیّات، قانون، آداب و رسوم و سایر قابلیّت‌ها و عاداتی است که انسان به‌مثابه عضوی از جامعه کسب می‌کند. در این برداشت، فرهنگ به‌عنوان کندوکاوی نظام‌مند مطرح می‌شود که در آن عملیّاتی‌سازی فرهنگ مورد توجّه قرار می‌گیرد (تامپسون[5]، ۱۳۷۸: ۱۵۲). ملینوفسکی[6] نیز در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۴۰ به ارائه‌ی نظریّه‌ای علمی درباره‌ی فرهنگ مبادرت کرد. او با رهیافت کارکردگرایانه، به فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی از منظر برآورده ساختن نیازهای انسانی نگریست. برای او فرهنگ، مجموعه‌ای متشکّل از دست‌ساخته‌ها، کالاها، فرایندهای فنّی، اندیشه‌ها، آداب و ارزش‌های موروثی و واقعیّتی منحصر به فرد است که باید به شیوه‌ی خاص مورد مطالعه قرار گیرد (مالینوفسکی، ۱۳۷۹). سازمان بین‌المللی و فرهنگی یونسکو[7]، توسعه‌ی فرهنگی[8] را پیش‌نیاز توسعه‌یافتگی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... می‌داند. بنابراین توسعه‌ی فرهنگی فرایندی است که طی آن تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌های جوامع به‌وجود می‌آید. حاصل فرایند توسعه‌ی فرهنگی کنار گذاشتن خرده-فرهنگ‌های غلط پیشین و جایگزینی آن با تفکّری است که در اجتماع، محور تفکّر انسان قرار گرفته و هدف آن دست‌یابی به نگرشی نو و دانایی‌محور نسبت به تمام مسائل جهان است.

[1] Johnson & Filipini/Seers
[2] Hegel
[3] Culture
[4] Tyler
[5] John Burton Thompson
[6] Bronislaw Kasper Malinowski
[7] UNESCO
[8] Cultural Development

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مفهوم توسعه‌ی فرهنگی برای نخستین بار در کنفرانس بین‌المللی سیاست‌های فرهنگی[1] که در سال ۱۹۷۰ از سوی یونسکو در ونیز برگزار شد، مطرح گردید (کواکس[2]، ۱۳۸۰: ۱۰). مقصود از توسعه‌ی فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادّی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و هم‌چنین آمادگی برای تحوّل و پیشرفت و پذیرش اصول کلّی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه‌ی افراد جامعه است (نظرپور، ۱۳۷۸: ۴۴). توسعه‌ی فرهنگی ارتقای خلّاقیّت و نوآوری، افزایش حجم مبادلات فرهنگی، تعمیق نگرش‌ها و تقویت هویّت فرهنگی است و رابطه‌ی فرهنگ و توسعه تعامل‌زا و متقابل در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارتی، فرهنگ موجد توسعه است (پهلوان، ۱۳۸۱: ۳۹). توسعه‌ی فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در چندین بند بیان گردیده است؛ از جمله طبق بند اوّل از اصل سوم، دولت موظّف است محیط مساعد را برای رشد فضایل اخلاقی نظیر ایثار، فداکاری، برادری، اخوّت، تعاون، راستی، درستی و شجاعت، بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با همه‌ی مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند. هم‌چنین بند دوم از اصل سوم، یکی از وظایف دولت را ایجاد امکانات برای افزایش سطح آگاهی عمومی در همه‌ی زمینه‌ها، با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر برشمرده است. به‌علاوه در بند چهارم از اصل سوم، دولت موظّف به تقویت روح بررسی و تتبّع و ابتکار در همه‌ی زمینه‌های علمی، فنّی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محقّقان شده است. در بند «ب» از اصل دوم نیز آمده است، دولت موظّف است زمینه‌های استفاده از علوم و فنون مورد نیاز و تجارب پیشرفته‌ی بشری را فراهم سازد و برای پیشبرد آن‌ها تلاش جدّی مبذول دارد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

رسالت نظام مدیریّت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جاری ساختن ارزش‌ها، عقاید، هنجارها و رفتارهای فرهنگ اسلامی در همه‌ی شؤون فردی و اجتماعی، به‌ویژه آراسته شدن جامعه به فضایل اخلاقی فردی و جمعی و دست‌یابی به استقلال فرهنگی است. برای تحقّق این رسالت مدیریّت فرهنگی کشور در چارچوب قانون اساسی، آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره)، رهنمودهای مقام معظّم رهبری و اصول سیاست‌های فرهنگی مصوّب شورای عالی انقلاب فرهنگی در محورهای زیر تلاش می‌کند؛ ایجاد و تقویت بستر و شرایط مساعد برای تعمیق

[1] Policies International Conference on Cultural
[2] Koacs

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اندیشه‌ی اسلامی و رشد فضایل اخلاقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی، دست‌یابی به استقلال فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگ‌های منحرف بیگانه با تأکید بر تقویت فرهنگ اسلامی و ملّی، تبیین و تحکیم مبانی هویّت فرهنگی در جامعه به‌ویژه برای نسل جوان، ترویج روحیّه‌ی قیام به قسط و عدالت اجتماعی در مردم و کارگزاران نظام و تبیین سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی پیشگیری و رفع فقر و فساد و تبعیض، حفظ و ترویج روحیّه‌ی ایثار، شهادت، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی در جامعه، تقویت ارتباط فرهنگی با سایر کشورها و تحکیم پیوندهای مودّت و دوستی برای تحقّق گفتگوی تمدن‌ها، تبیین آثار مثبت و منفی پدیده‌ی جهانی شدن در حوزه‌های فرهنگی و ارائه‌ی راهبردهای مناسب برای تقویت هویّت ملّی و اسلامی (دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶).

در ادبیّات دینی توسعه به معنای وسعت یافتن و گرایش مردم جامعه به ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی به مقتضای فرهنگ آن جامعه است؛ یعنی، ارزش‌ها، آرمان‌ها و الگوهایی که جهت مطلوب و کمال دارند و به بهینه شدن جامعه کمک می‌کنند. در جامعه‌ی دینی، دین و فرهنگ دارای ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه هستند. دین در قالب فرهنگ تجلّی یافته و فرهنگ نیز وابسته به دین است. بنابراین ارزش‌ها به‌مثابه مهم‌ترین عنصر فرهنگ در جامعه‌ی دینی، در انحصار دین است و دین تنها منبع تولیدکننده‌ی ارزش‌ها به‌شمار می‌آید (سعادت، ۱۳۸۹: ۴۲-۷۰). مقصود از فرهنگ علوی حاکم بر جامعه، مجموعه رفتارها و کنش‌هایی است که بر پایه‌ی تفکّر توحیدی و ارزش‌های مورد تأیید قرآن، پیامبر اسلام (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) شکل می‌گیرد و شاخص اصلی آن، امیرالمؤمنین علی (ع) است. از آن جا که سبک و شیوه‌ی زندگی انسان چیزی جز انتخاب‌های او برای چگونه زیستن نیست، این انتخاب‌ها در عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی صورت می‌گیرد. به‌علاوه، انتخاب مفهومی است که متضمّن گزینش و شاخص است تا به کمک آن‌ها چگونگی انتخاب تعیین شود (بایایی، ۱۳۸۹: ۴۲).

در فرهنگ علوی، روشنفکران و هادیانی که از سرچشمه‌های معرفت الهی سیراب گردیده‌اند و روح و جان خود را در پرتو انوار الهی پرورش داده و متجلّی به اسم جلاله ولی الله شده‌اند، همان هادیان و روشنفکران حقیقی هستند که می‌توانند انسان را به درستی هدایت کنند. این حقیقت از نخستین روز آفرینش آدمی در انبیای الهی عینیّت یافته و بشر در همه‌ی برهه‌های تاریخ به هادیان الهی دسترسی داشته است (مطهری، ۱۳۶۱: ۶). سرآغاز هدایت علوی با انتصاب امیرالمؤمنین علی (ع) از سوی خداوند در سال حجةالوداع و در روز غدیرخم آغاز شد و با سیلان آن در فرزندان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

معصوم ایشان تا ابد ادامه خواهد یافت؛ خطّ مشی روشنی که خداوند متعال با آن نعمتش را بر بندگان به اتمام رساند (مائده: ۳) و امروز این پرچم در دست باکفایت ولی الله اعظم حضرت حجّت (عج) قرار دارد که همچون خورشید عالم‌تاب جهان هستی را از برکات وجود خویش روشن می‌کند. مردم با فروغ این چراغ از گمراهی نجات می‌یابند؛ انسان با تمسّک و عمل به سیاست‌های آن، به شایستگی به مقام خلیفه‌ی الهی می‌رسد «هو الذی جعلکم خلائف فی الارض» (فاطر: ۳۹) و جامعه‌ی انسانی به مدینه‌ی فاضله تبدیل می شود. این وجود ارزشمند، ارمغانی است که خداوند به انسان اعطا نموده است؛ نعمتی است که بیش‌تر مردم قدردان آن نیستند و به حقیقت گران‌بهای آن پی نمی‌برند «و هم لا یعقلون» (توبه: ۱۱۱) و گم‌شده‌ای است که ناآگاهی و جهل مردم مسبّب گم‌شدن آن است (بابایی، ۱۳۸۹: ۴۴).

توسعه به‌طور عام و توسعه‌ی فرهنگی به‌طور خاص در دیدگاه امام علی حول محور ذات پروردگار عالمیان می‌چرخد. بر این اساس، آن چه موجب رشد و بقا و توسعه می‌شود، فقط باید بر پایه‌ی تفکّر توحیدی و ارزش‌های متعالی باشد. این در حالی است که در سایر مکاتب، توسعه و رشد ناظر بر مادیّات است و این مسأله تفاوت اصلی مکتب علوی با سایر مکاتب بشری است که موضوع اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

مطالعات تجربی

سعدآبادی، پورعزّت و قلی‌پور (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «تدوین الگوی توسعه و پیشرفت در پرتو رهنمودهای امام علی(ع)»، با استفاده از نظر خبرگان به تهیه و تدوین ۱۰۲ شاخص در حوزه‌ی اقتصادی، اداری، سیاسی و محیط زیستی اقدام کردند. در پژوهشی با عنوان «توسعه‌ی فرهنگی در آموزه‌های قرآنی» از منصوری (۱۳۸۸) چنین آمده که به‌نظر می‌رسد قرآن به‌عنوان رسالتی که برعهده‌ی پیامبران گذاشته شده، به مقوله‌ی توسعه‌ی فرهنگی اهتمام ویژه داشته است. حرکت فرهنگی پیامبر در جهت روشنگری و ایجاد تمدّن فرهنگی بوده و آموزه‌های قرآنی با هدف امّت‌سازی به توسعه‌ی همه‌جانبه یعنی توسعه‌ی انسانی توجّه ویژه‌ای کرده است. سعادت و خان‌محمّدی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «نقش اسلام در توسعه‌ی فرهنگی»، مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و اهمّیّت توسعه‌ی فرهنگی را چنین برمی‌شمارند: دعوت به تعقّل، تأکید بر علم و اندیشه، پیوستگی میان دنیا و آخرت، تأکید بر نقش و اهمّیّت کار، حرمت اسراف و تبذیر، مذمّت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فقر، مبارزه با خرافات، باور به برخورداری از قدرت و عزّت، اهمّیّت آزادی بیان و باور به تعامل فرهنگی و تأکید بر آن.

«معیارها و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام» عنوان پژوهشی از خلیلی(۱۳۹۰) است که نویسنده در آن، با استفاده از روش تحلیل محتوای منابع نقلی و دینی و با مراجعه به مبانی، اصول و اهداف توسعه‌ی انسانی، معیارها و شاخص‌های واقع‌بینانه‌ی ایمان، تقوا، عمل صالح و وسیله (امکانات مادّی زندگی) را پیشنهاد داده است. «فرهنگ در اقتدار ملّی از دیدگاه امام علی (ع)» عنوان تحقیقی است که با هدف مطالعه‌ی تعامل فرهنگ با سایر مؤلّفه‌های قدرت ملّی (سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی) و با تکیه بر روش تحلیل محتوای خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) از سوی بابایی (۱۳۸۹) انجام پذیرفته و بررسی‌های آن نشان داده است که حضرت در مدّت زمامداری به مؤلّفه‌ی فرهنگ اولویّت بیش‌تری می‌داده‌اند و اولویّت‌دهی ایشان به معنای توسعه و تعمیق مبانی نظری و ارزشی در مؤلّفه‌های دیگر قدرت و اقتدار ملّی بوده است؛ به‌گونه‌ای که رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی امیرالمؤمنین (ع) در دوره‌ی زمامداری بر پایه‌ی عناصر خدامحوری، واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی و انسان‌محوری هویّت و جهت می‌گرفته است. «شاخص‌های اقتصادی توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام» عنوان تحقیقی است که در آن، نقی‌پورفر و احمدی (۱۳۸۸) با استفاده از روش تبیینی- تفسیری و با مراجعه به مبانی، اصول و اهداف توسعه در اسلام و مفهوم توسعه‌ی انسانیِ مورد نظر اسلام، به تحلیل کنش متقابل اقتصادی در میان کنش‌گران مسلمان و متدیّن در شرایط تحقّق توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند. این نویسندگان با طرّاحی نظام‌واره‌ی اقتصادی مورد قبول اسلامی، شاخص‌های اقتصادی توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام را شاخص‌های کلّی کفایت و اطمینان در تأمین نیازهای اساسی، رفاه پایدار، مشارکت فعّال اقتصادی، معیشت حلال، عدالت و انصاف، عمران و اصلاح و انفاق معرّفی کرده‌اند. «شاخص‌های توسعه‌ی انسان‌محور در جامعه‌ی مطلوب و آرمانی اسلام» عنوان پژوهش خلیلیان (۱۳۸۷) است که بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، پنج شاخص توسعه‌ی انسان‌محور را برای سنجش توسعه‌ی اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی مطرح می‌کند. این شاخص‌ها عبارتند از: میزان توسعه‌یافتگی نیروی انسانی، میزان تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم، میزان پای‌بندی افراد به حفظ منافع ملّی، میزان تعهّد، مسؤولیّت‌پذیری و پاسخ‌گویی افراد جامعه و میزان کامیابی در رفع فقر و تأمین رفاه نسبی. هم‌چنین در این پژوهش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برای سنجش کمّی هریک از شاخص‌های مطرح‌شده که بیانگر امور کلّی و کیفی هستند، راهکارهایی بیان گردیده است.

با توجّه به تحقیقات انجام‌شده، تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه‌ی توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی فرهنگی با نگرش اسلامی صورت پذیرفته است. از این رو، انجام پژوهشی که بتواند به مؤلّفه‌های اصلی توسعه‌ی فرهنگی بپردازد، امری ضروری است و این امکان را به‌وجود می‌آورد که در پرتو گفتار امام علی (ع)، شاخص‌های اساسی در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی شناسایی و تبیین شوند.

بررسی شاخص‌ها و مؤلّفه‌های فرهنگی در پرتو بیانات امام علی (ع)

۱. شاخص اخلاق

اخلاق، فنّی است که درباره‌ی ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی است و فضایل را از رذایل جدا می‌سازد تا آدمی پس از شناسایی آن‌ها، خود را با فضایل آراسته سازد و از رذایل فاصله گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۳۶۸/۱).

الف) اخلاق سیاسی: امام علی (ع) در زمینه‌ی عدم دنیاطلبی و تعهّد و تکلیف به ارزش‌های دینی توصیه می‌فرمایند که آگاه باشید نه دنیا برای شما جاودانه است و نه شما در آن جاودانه خواهید ماند. آگاه باشید آن چه برای حفظ دین از دست می‌دهید، زیانی به شما نخواهد رساند و آن چه را با تباه ساختن دین به‌دست می‌آورید، سودی به حالتان نخواهد داشت (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳: ۲۵۳).

ب) اخلاق اجتماعی: در زمینه‌ی حسن معاشرت میان افراد خانواده و در توصیه به احترام متقابل بین خردسالان و بزرگان (خطبه‌ی ۱۶۶ :۲۲۷)، حقّ پدر بر فرزند اطاعت از او در همه‌ی امور جز نافرمانی خداوند و حقّ فرزند بر پدر نیز در انتخاب نام نیکو برای وی، تربیت مناسب و آموزش قرآن است (حکمت ۳۹۹ :۵۱۹). به‌علاوه، بر ضرورت صله‌ی رحم و تعاون با خویشاوندان نیز تأکید می‌شود (خطبه‌ی ۲۳: ۴۷). هم‌چنین در دعوت به خیر جمعی که از مؤلّفه‌های اخلاق شهروندی است، همه‌ی کارهای نیکو و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای بر دریای موّاج و پهناور در نظر گرفته می‌شود (حکمت ۳۷۳: ۵۱۵).

ج) اخلاق اقتصادی: در باب اصالت منافع عمومی و رضایت الهی در فعّالیّت‌های اقتصادی، در نهج‌البلاغه آمده خرید و فروش در جامعه‌ی اسلامی باید به‌سادگی و با موازین عدالت صورت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

گیرد تا به فروشنده و خریدار زیانی نرسد (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۵). در پرهیز از مفاسد اجتماعی نیز آمده است کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به رباخواری آلوده می‌شود (حکمت ۴۴۷: ۵۲۷). به‌علاوه، قناعت در اقتصاد اسلام سبب دولتمندی و فراوانی نعمت (حکمت ۲۲۹: ۴۸۳) و سخاوتمندی در بخشش، مستحقّ پاداش الهی است (حکمت ۱۳۸ :۴۶۹).

د) اخلاق عمومی: خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد و خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده‌ی خود بپردازد؛ غذای حلال خود را بخورد و به اطاعت پروردگار مشغول باشد و بر خطاهای خویش بگرید؛ همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند (خطبه‌ی ۱۷۶: ۲۴۱). هم‌چنین در تأکید بر عدم ریاکاری، ترس از خداوند در اسرار پنهانی و اعمال مخفی، توصیه شده است تا مبادا در ظاهر، خداوند را عبادت و در خلوت از او نافرمانی کنند؛ به عبارتی، آشکار و پنهان و گفتار و کردار در تضاد نباشند (نامه‌ی ۲۶: ۳۶۱).

۲. شاخص عقلانیّت

پذیرش و وارد کردن عقل در حریم دین و معرّفی آن به‌عنوان یکی از منابع استنباط قواعد شرعی و ایجاد رابطه‌ی تنگاتنگ و ناگسستنی میان عقل و شرع، بیانگر آن است که اسلام به کوشش‌های عقلانی برای شناخت، تبیین و ارزیابی موضوعات در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی اهتمام ورزیده است و عقل را عنصری می‌شناسد که می‌تواند کاشف قانون بوده، آن را تحدید کند یا تعمیم دهد و نیز همیار و مددکار مناسبی در استنباط از سایر منابع و مدارک باشد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۱).

الف) بصیرت: امام علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند: بندگانی که نگاهدار علم خداوند هستند و آن را حفظ می‌کنند و چشمه‌های علم الهی را جوشان می‌سازند، با دوستی خداوند با یکدیگر پیوند دارند و جام محبّت او را به همدیگر می‌نوشانند و از آبشخور علم او سیراب می‌شوند. آنان چونان بذرهای پاکیزه‌ای هستند که در میان مردم گزینش شده، آن‌ها را برای کاشتن انتخاب و دیگران را رها می‌کنند؛ با آزمایش‌های مکرّر امتیاز یافته و با پاک کردن‌های پی‌درپی خالص شده‌اند. پس دوراندیش (خطبه‌ی ۲۱۴: ۳۱۰؛ نامه‌ی ۵۳: ۴۱۹) و همواره در حق میانه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باش (نامه‌ی ۵۳: ۴۰۵).

ب) تأمّل‌گرایی: در اهمّیّت تفکّر در نهج‌البلاغه آمده است که هیچ ثروتی چون عقل، هیچ فقری چون نادانی و هیچ ارثی چون ادب نیست (حکمت ۵۴: ۴۵۳). بنابراین، سرمایه‌ای سودمندتر از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

عقل، و عقلی چون دوراندیشی، دانشی چون اندیشیدن و پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن وجود ندارد (حکمت ۱۱۳: ۴۶۳).

ج) جایگاه علم: امام علی (ع) در بیان منزلت اجتماعی دانش و دانشمند می‌فرمایند که ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصّص اوست (حکمت ۸۱: ۴۵۷). درباره‌ی استفاده از تجارب علمی، نظر امام (ع) آن است که علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند؛ زیرا علم، عمل را فرا می‌خواند، اگر پاسخش داد، می‌ماند وگرنه کوچ می‌کند (حکمت ۳۶۶: ۵۱۱). در زمینه‌ی به‌کارگیری نخبگان و مبتکران نیز فرموده‌اند: خداوند از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند (حکمت ۴۷۸: ۵۳۱).

د) آینده‌نگری: نگرش برنامه‌ای از ضروریّات پیشرفت و توسعه است. مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم کند؛ زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه‌ی زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به لذّت‌هایی که حلال و مایه‌ی زیبایی است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند؛ کسب حلال برای تـأمین زندگی یا گام نهادن در راه آخرت یا به‌دست آوردن لذّت‌های حلال (حکمت ۳۹۰: ۵۱۹).

ه) اعتدال و میانه‌روی: پرهیز از افراط و تفریط در جهت تعالی انسانی و اجتماعی اهمّیّت فراوانی دارد؛ به‌گونه‌ای که حضرت توصیه می‌کنند که میانه‌روی را برگزین و از امروز به فکر فردا باش. از اموال دنیا به اندازه‌ی کفاف خویش نگه دار و زیادی را برای روز نیازمندی‌ات در آخرت پیش فرست (نامه‌ی ۲۱: ۳۵۷). بخشنده باش امّا زیاده‌روی نکن. در زندگی حسابگر باش امّا سخت‌گیر مباش (حکمت ۳۳: ۴۴۹).

۳. شاخص عدالت

جامعه‌ی اسلامی با عدل، قوام پیدا کرده و می‌تواند به‌عنوان شاهد و مبشّر و هدایتگر برای ملّت‌های عالم مطرح شود. عدالت در اعتقاد یعنی ایمان آوردن به آن چه حق است. عدالت در عمل فردی به معنای کاری است که سعادت در آن باشد و عدالت میان مردم نیز یعنی هر کسی را در جای خود به حکم عقل یا شرع و عرف که مستحقّ آن است، قرار دهند (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). از نظر اسلام عدالت در نهاد بشر وجود دارد و اگر مربّی کاملی او را تحت تعلیم و تربیت قرار دهد، عدالت‌شناس، عدالت‌خواه و عدالت‌گستر خواهد شد. عدالت برجسته‌ترین مسأله در زندگی حکومتی امیرالمؤمنین (ع) بوده است (مطهری، ۱۳۷۸ : ۱۵۵).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

الف) عدالت فرهنگی: دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و امکانات و خدمات فرهنگی برای پیشرفت و توسعه‌ی جامعه بسیار بااهمّیّت است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: از جمله حقوق شما این است که شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید (حکمت ۱۴۷: ۴۷۱).

ب) عدالت سیاسی: در بیان شایسته‌سالاری و امکان همگانی برای مشارکت سیاسی، در نهج‌البلاغه آمده است: کارگزاران را از میان افراد باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه‌ی درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، آبرویشان محفوظ‌تر، طمع‌ورزی‌شان کم‌تر و آینده‌نگری آنان بیش‌تر است (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۱).

ج) عدالت اقتصادی: در جامعه‌ی اسلامی بر ایجاد فرصت‌های برابر در فعّالیّت‌های اقتصادی و استفاده از منابع و امکانات و نیز توزیع عادلانه‌ی ثروت و درآمد، تأکید ویژه‌ای می‌شود. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند: آگاه باشید، بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است. ممکن است در دنیا مقام بخشنده‌ی آن را بالا برد، امّا در آخرت پست خواهد کرد. کسی مالش را در راهی که خداوند اجازه نفرمود، مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خداوند او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آن‌ها را متوجّه دیگری ساخت؛ پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش‌کننده‌ترین دوست خواهند بود (خطبه‌ی ۱۲۶ :۱۶۹).

د) عدالت اجتماعی: حاکمیّت قانون و اجرای عادلانه‌ی قوانین از ضروریّات عدالت اقتصادی در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی است. برترین فرد برای قضاوت کسی است که مراجعه‌ی فراوان، او را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر، وی را خشمگین نسازد؛ در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد؛ طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد؛ در شبهات از همه بااحتیاط‌تر عمل کند و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیش‌تر باشد؛ در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت در فصل خصومت از همه برّنده‌تر باشد؛ کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک هستند (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

٤. شاخص هویّت

مذهب اصیل‌ترین عنصر در هویّت ملی است و عناصر غیردینی نقش ثانوی دارند. با جذب تعالیم متعالی و روح‌بخش اسلام و بهره‌گیری از ویژگی‌های اخلاقی فرهنگ ملّی، فرهنگ و تمدّن اسلامی بارور و موجب تحکیم هویّت ملّی و دینی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۶۰).

الف) هویّت ملّی: تمایل به دفاع از میهن در برابر بیگانگان، در کلام امام علی (ع) چنین مطرح شده است: سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، بازگردانید و شر را جز شر پاسخی نیست (حکمت ۳۱۴: ۵۰۳). در بعد میراث فرهنگی و عبرت گرفتن از گذشتگان نیز آمده است که از آن چه بر ملّت‌های گذشته از کیفرها، عقوبت‌ها، سخت‌گیری‌ها، ذلّت و خواری فرود آمده، پند پذیرید (خطبه‌ی ۱۹۲: ۲۷۵). در بعد اجتماعی و سیاسی، انسجام، هم‌بستگی و هم‌دلی میان مردم، رهبر همچون ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متّحد می‌سازد و به هم پیوند می‌دهد؛ افراد اگرچه از نظر تعداد اندک باشند، امّا با نعمت اسلام فراوان و با اتّحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمند هستند (خطبه‌ی ۱۴۷: ۱۹۱).

ب) هویّت دینی: در زمینه‌ی اصول اعتقادی و در اعتقاد به وحدانیّت و عدالت خداوند، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: توحید آن است که خدا را در وهم نیاوری و عدل آن است که او را متّهم نسازی (حکمت۷۰: ۵۳۱). هم‌چنین در زمینه‌ی اعتقاد به نبوّت و امامت در نهج‌البلاغه آمده است که خدای سبحان برای وفا به وعده‌ی خود و کامل گردانیدن دوران نبوّت، حضرت محمّد (ص) را مبعوث کرد؛ پیامبری که از همه‌ی پیامبران، پیمان پذیرش نبوّت او را گرفته بود و رسول گرامی اسلام در میان شما مردم، جانشینانی برگزید که همه‌ی پیامبران گذشته برای امّت‌های خود برگزیدند؛ زیرا آن‌ها هرگز انسان‌ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرّفی راهی روشن و نشانه‌های استوار از میان مردم نرفتند (خطبه‌ی ۱: ۲۵). امام (ع) درباره‌ی اعتقاد به معاد نیز فرموده‌اند: شما چونان مسافران در راهید که در این دنیا فرمان کوچ داده شدید؛ دنیا خانه‌ی اصلی شما نیست و به جمع‌آوری زاد و توشه فرمان داده شدید (خطبه‌ی ۱۸۳: ۲۵۳). نظر امام درباره‌ی التزام به فروع دین و احکام شرعی آن است که نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خدا و حج، جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن، روزه است (حکمت ۱۳۶: ۴۶۹). در بعد سیاسی و حمایت از مسلمانان نیز توصیه‌ی حضرت علی (ع) آن است که حرمت مسلمان را بر هر حرمتی باید برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را با اخلاص و توحید باید استوار کرد (خطبه‌ی ۱۶۷: ۲۲۷). در زمینه‌ی آگاهی از وقایع تاریخ اسلام، سیره‌ی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در نهج‌البلاغه آمده است که عترت پیامبر (ص) چراغ‌های هدایت روشنگر راهند. آنان زمامداران حق و یقین، پیشوایان دین و زبان‌های راستی و راستگویانند. پس باید آنان را در بهترین منازل قرآن جای دهید (خطبه‌ی ۸۷: ۱۰۵).

ج) هویّت انقلابی: استکبارستیزی برای توسعه‌ی جامعه اسلامی از اهمّیّت ویژه‌ای برخوردار است. امام علی (ع) درباره‌ی نفی سلطه می‌فرمایند: آگاه باشید که همانا شیطان، حزب و یارانش را بسیج کرده و سپاه خود را از هر سو فراهم آورده است تا بار دیگر ستم را به جای خود نشاند و باطل به جایگاه خویش پایدار شود (خطبه‌ی ۲۲: ۴۵). هم‌چنین در زمینه‌ی حمایت از مستضعفین، امام خطاب به مالک اشتر فرموده‌اند: برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای طبقات پایین و محروم معیّن فرموده است؛ به‌ویژه به امور کسانی از آنان که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کم‌تر به تو دسترسی دارند، بیش‌تر رسیدگی کن. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتن هستند، فردی را انتخاب کن تا درباره‌ی آن‌ها تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کند. این گروه بیش‌تر از دیگران به عدالت نیازمند هستند (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۵). درباره‌ی ایثار و شهادت‌طلبی نیز در نهج‌البلاغه آمده است که با وارد شدن هر مصیبت و شدّتی جز بر ایمان افزوده نمی‌گردد و انسان در پیمودن راه حق، تسلیم بودن در برابر اوامر الهی و شکیبایی بر درد جراحت‌های سوزان، مصمّم‌تر می‌شود (خطبه‌ی ۱۲۲: ۱۶۵).

۵. شاخص سرمایه‌ی اجتماعی

انسان دارای ماهیّتی اجتماعی است؛ از این رو نیازها، بهره‌ها و برخورداری‌ها، کارها و فعّالیّت‌ها نیز ماهیّتی اجتماعی دارند و جز با تقسیم کارها و بهره‌ها و رفع نیازمندی‌ها در درون یک سلسله سنن و نظام‌ها میسّر نمی‌شوند (مطهری، ۱۳۸۵ : ۳۳۱).

الف) مشارکت: در شبکه‌های روابط اجتماعی و آگاهی‌های سیاسی، مشارکت از ملزومات جامعه‌ی اسلامی برای رشد و تعالی است؛ به‌گونه‌ای که حضرت می‌فرمایند: کسی که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب می‌شناسد (حکمت ۱۷۳: ۴۷۵).

ب) اعتماد: در نهج‌البلاغه درباره‌ی اعتماد میان فردی، اقشار اجتماعی و مسؤولین آمده است: کسی که به تو گمان نیک برد، او را تصدیق کن و هرگز حقّ برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع نکن (نامه‌ی ۳۱ :۳۸۱)؛ هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد، بهتر از نیکوکاری به مردم و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست. پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری مردم، خوش‌بین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را برمی‌دارد (نامه‌ی ۵۳: ۴۰۷).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ج) رضایت: امام علی (ع) در زمینه‌ی رضایت سیاسی و اجتماعی خطاب به مالک اشتر چنین فرموده‌اند: دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، امّا خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی یاری آن‌ها کم‌تر، در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، در خواسته‌هایشان پافشارتر، در عطا و بخشش کم‌سپاس‌تر، به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر هستند. حال آن که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره‌ی دفاعی، عموم مردم هستند، پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو به آنان باشد (نامه‌ی ۵۳: ۴۰۵).

٦. شاخص نظم اجتماعی

تکیه‌ی اسلام بر نظم اجتماعی، بیش‌تر بر اخلاق مبتنی بر معاد و قانون‌مندی جامعه است. امام علی (ع) در وصف قرآن می‌فرمایند: بدانید که در آن، علم آینده و سخن از گذشته و دوای درد شما وجود دارد و موجب نظم و سامان‌دهی میان شماست (محمّدی ری‌شهری، ج ۴، حدیث ۲۰۳۳۶).

الف) جامعه‌پذیری: حق گسترده‌تر از آن است که به وصف درآید، ولی به هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند دارد. اگر حق به سود کسی اجرا شود، روزی به سود او جریان خواهد داشت. البتّه اگر قرار باشد حق به سود کسی اجرا شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است (خطبه‌ی ۲۱۶: ۳۱۵).

ب) قانون‌گرایی: قانون‌مندی و پای‌بندی حکومت به قانون و اشخاص و وحدت رویّه‌ی قانونی در عملکردها، جزء جدایی‌ناپذیر پیشرفت جامعه و حکومت اسلامی است. خداوند سبحان برخی حقوق خود را بر بعضی از مردم واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت که برخی از حقوق، برخی دیگر را واجب گرداند. هم‌چنین حقّی بر کسی واجب نمی‌شود مگر همانند آن را انجام دهد (خطبه‌ی ۲۱۶: ۳۱۵).

ج) تعهّد به هنجارهای مشترک: در زمینه‌ی پای‌بندی به سنّت‌های اجتماعی، امام علی (ع) به مالک اشتر خطاب می‌کنند: آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امّت به آن عمل کردند و ملّت اسلام با آن پیوند خورده و اصلاح شده‌اند، بر هم مزن و آدابی که به سنّت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاور که پاداش برای آورنده‌ی سنّت و کیفر آن برای تو است که آن‌ها را در هم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شکستی. با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه‌ی آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشته است (نامه‌ی ۵۳: ۴۰۷).

د) امنیّت اجتماعی: حفظ امنیّت افراد جامعه و مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی از اهمّیّت ویژه‌ای برخوردار است. امنیّت شخصی و فردی حالتی است که در آن، فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان، مال یا آبروی خود یا از دست رفتن آن‌ها، زندگی کند. امنیّت اجتماعی نیز حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت، دستگاه، گروه یا فردی در همه یا بخشی از جامعه پدید آورد (آشوری، ۱۳۹۳: ۳۸). به عقیده‌ی امام علی (ع) اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر رعیّت ستم کند، وحدت کلمه از میان می‌رود؛ نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده‌ی سنّت پیامبر (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان می‌شود (خطبه‌ی ۲۱۶: ۳۱۵).

۷. شاخص وحدت و انسجام

همه‌ی مسلمانان از یک جهان‌بینی و فرهنگ مشترک برخوردارند و در یک تمدّن باشکوه و پرسابقه شرکت دارند. وحدت مسلمانان در جهان‌بینی، فرهنگ، سابقه‌ی تمدّن، بینش و منش، معتقدات مذهبی، پرستش‌ها و نیایش‌ها و آداب و سنن اجتماعی مناسب می‌تواند از آنان ملّتی واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به‌وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان به‌ناچار در برابر آن‌ها خضوع نمایند (مطهری، ۱۳۸۵).

الف) تقریب و همگرایی: توجّه به نمادهای دینی مشترک برای حفظ وحدت و یکپارچگی جوامع اسلامی تأکید ویژه‌ی امام علی(ع) است؛ بر این اساس، برپاداشتن نماز، آیین ملّت اسلام است و پرداختن زکات، تکلیف واجب الهی است؛ روزه‌ی ماه رمضان، سپری در برابر عذاب الهی و حج و عمره نیز نابودکننده‌ی فقر و شستشودهنده‌ی گناهان است (خطبه‌ی ۱۱۱: ۱۴۹).

ب) ارزش‌های مشترک: دل‌بستگی به ارزش‌های مشترک فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، انسجام همه‌ی مردم را به ارمغان می‌آورد؛ مسلمانان با وحدت و برادری از جدایی و تفرقه دوری می‌جویند تا از ریشه و اصل خویش پراکنده نگردند. تنها گروهی اندک شاخه‌ی درخت توحید را گرفتند و به هر طرف که روی آورد، هم‌سو شدند. خداوند میان مسلمانان الفت ایجاد می‌کند و آنان را به صورت ابرهای فشرده درمی‌آورد. آن گاه درهای پیروزی را به روی آن‌ها می‌گشاید (خطبه‌ی ۱۶۶: ۲۲۷).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ج) اتّحاد در مقابل دشمن: وحدت عمل و کاهش اختلافات داخلی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و رشد جامعه‌ی اسلامی است. آن کس که در لجاجت خود پا فشارد، خداوند پرده‌ی ناآگاهی بر جان او می‌کشد و بلای تیره‌روزی گرد سرش می‌گرداند و آن که بر پیمان خود استوار بماند، از هلاکت نجات می‌یابد (نامه‌ی ۵۹: ۴۲۵). هم‌چنین، اختلاف نابودکننده‌ی اندیشه است (حکمت ۲۱۵: ۴۸۱).

د) وحدت میان مسؤولین: هماهنگی میان نهادهای نظام و هم‌سویی نظرات قواها با یکدیگر، از ضروریّات توسعه‌ی جامعه اسلامی است. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه خطاب به ابوموسی اشعری فرموده‌اند: در امّت اسلام هیچ کس وجود ندارد که به وحدت امّت محمّد (ص) و انس گرفتن آنان با همدیگر، از من دل‌سوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خداوند می‌طلبم و به آن چه پیمان بستم، وفادارم. همانا تیره‌روز کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خداوند اصلاح کرده بر هم زند، بیزارم (نامه‌ی ۷۸: ۴۴۱).

ه) روابط بین قومی: روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز حلّ اختلافات و منازعات بین قومی و دوستی و معاشرت، جایگاه ویژه‌ای در توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی دارند. از این رو، حضرت می‌فرمایند: با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره‌ی چشم، با همگان یکسان (نامه‌ی ۴۶: ۳۹۷). چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی برقرار کن. هنگامی که دوری می‌گزیند نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر. به هنگام گناهش، عذر او را بپذیر، چنان‌که گویا بنده‌ی او هستی و او صاحب نعمت توست (نامه‌ی ۳۱: ۳۸۱).

و) محوریّت منافع ملّی: حفظ تمامیّت ارضی از ارکان توسعه‌ی کشور است؛ به‌گونه‌ای که امام علی (ع) در این زمینه فرموده‌اند: حفظ مرزهای داخل که پشت سر می‌گذاری، مهم‌تر از آن باشد که در پیش رو خواهی داشت (خطبه‌ی ۱۴۶: ۱۹۱). مرزهای کشور اسلامی که در تهدید دشمن قرار دارند، باید حفظ گردند (نامه‌ی ۴۶: ۳۹۷). هر ملّتی که در خانه‌ی خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد. سستی به خرج ندهید و خواری و ذلّت را نپذیرید تا دشمن پی‌درپی به شما حمله نکند و سرزمین‌های شما را تصرّف ننماید. وقتی به شما حمله می‌شود، باید حمله کنید و بجنگید (خطبه‌ی ۲۷ :۵۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۸ شاخص استقلال فکری و ملّی

آحاد مردم نه تنها در بعد کلان سیاسی و اجتماعی، در عرصه‌های زندگی شخصی نیز باید تفکّر و رفتار استقلال‌محوری داشته باشند و چنین تفکّری را با هیچ چیز دیگری عوض نکنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳۷).

الف) خودباوری: پای‌بندی و احترام به آداب و سنّت‌های پسندیده‌ی گذشته و میل به پیشرفت ناشی از اسلام، در گفتار علی ابن ابی‌طالب (ع) چنین آمده است که خداوند پایه‌های اسلام را بر محبّت خویش استوار نمود؛ ادیان گذشته را با عزّت آن خوار کرد و با سربلند کردن آن، دیگر ملّت‌ها را شکست داد و با نیرومند کردن آن، ارکان گمراهی را در هم کوبید. اسلام در پیشگاه خداوند دارای ستون‌هایی مطمئن، بنایی بلند، راهنمایی همیشه روشن، شعله‌ای روشنی‌بخش، برهانی نیرومند و نشانه‌ای بلندپایه است که درافتادن با آن ممکن نیست. پس اسلام را بزرگ بشمارید؛ از آن پیروی کنید؛ حقّ آن را ادا نمایید و در جایگاه شایسته‌ی خویش قرار دهید تا سربلند باشید (خطبه‌ی ۱۹۸ :۲۹۷).

ب) استقلال علمی: حضرت علی (ع) درباره‌ی احترام به فکر و اندیشه می‌فرمایند: بر فراگیری علم و دانش پیش از آن که درختش بخشکد، تلاش کنید و پیش از آن که به خود مشغول گردید، از معدن علوم (اهل بیت)، دانش استخراج کنید (خطبه‌ی ۱۰۵: ۱۳۷).

ج) استقلال اقتصادی: الگوی مصرف (ساده‌زیستی و قناعت)، فرهنگ مشارکت و تعاون در توسعه‌ی اقتصاد ملّی، فرهنگ پرداخت مالیات و اهتمام به خودکفایی در صنعت و کشاورزی، از مهم‌ترین ارکان توسعه‌ی جامعه هستند. به تعبیر امام (ع) قناعت ثروتی پایان‌ناپذیر است (حکمت ۵۷: ۴۵۳). هم‌چنین بهبودی وضع مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه‌ی مردم نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. تلاش در آبادانی زمین باید بیش‌تر از جمع‌آوری خراج باشد؛ چرا که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به‌دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندک مدّتی دوام نمی‌آورد (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۳).

د) استقلال سیاسی: گسترش مشارکت و حضور مردم، اعتماد به سیاست‌مداران و التزام به قانون، وحدت رویّه و ایستادگی در برابر سلطه، زمینه‌ی استقلال سیاسی را فراهم می‌کند. پس آن گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزّت آنان بود؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دشمنان را از سر راهشان برداشت؛ سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد؛ نعمت‌های فراوان در اختیارشان گذاشت و به آنان کرامت و شخصیّت بخشید زیرا از تفرقه و جدایی اجتناب کردند؛ بر وحدت و هم‌دلی همّت گماشتند؛ یکدیگر را به وحدت واداشتند و به آن سفارش کردند. هم‌چنین از کارهایی چون کینه‌توزی با یکدیگر، پر کردن دل‌ها از بخل و حسد، پشت کردن به یکدیگر، بریدن از هم و دست کشیدن از یاری همدیگر که پشت آن‌ها را شکست و قدرت آن‌ها را در هم کوبید، بپرهیزید (خطبه‌ی ۱۹۲: ۲۸۱).

ه) استقلال فرهنگی: گسترش نهضت دینی، اهتمام به تربیت نیروی انسانی باایمان و پرانگیزه، پای‌بندی به ارزش‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی از مهم‌ترین مسائل جوامع اسلامی هستند. حضرت در این باره فرموده‌اند: بدان که دنیا جاودانه نیست و آن گونه که خداوند خواسته، برقرار است؛ از عطا کردن نعمت‌ها و انواع آزمایش‌ها و پاداش دادن در معاد یا آن چه را که او خواسته است و بینش تو در آن راه ندارد، سپس آن‌ها را می‌شناسی. پس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده و روزی داده است. بندگی تو فقط برای او باشد و تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس (نامه‌ی ۳۱: ۳۷۵).

۹. شاخص کالا و خدمات فرهنگی

بی‌گمان هیچ تمدّن و جامعه‌ی مدنی‌ای نمی‌تواند بدون قانون مکتوب دوام یابد و در برابر تغییرات از خود واکنش به‌جا و به‌موقع نشان دهد. تبلیغات یک امر واجب است و جهان اسلام باید نسبت به این امر حسّاسیّت داشته باشد (مطهری، به نقل از موگهی، ۱۳۷۷).

رسانه‌ی مکتوب و غیرمکتوب: تبلیغ حقایق اجتماعی و دینی، از طریق نیروی انسانی، میراث فرهنگی و گردشگری، تحقّق می‌پذیرد. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه فرموده‌اند که دل را با اندرز نیکو زنده کنید و بر آثار ویران پیشینیان گردش کنید و بیندیشید (نامه‌ی ۳۱: ۳۷۱). به کاتبان و نویسندگانی اعتماد کنید که صالح‌تر از دیگران هستند؛ در میان مردم آثاری نیکو گذاشته‌اند و به امانت‌داری مشهورند (نامه‌ی ۵۳: ۴۱۳).

۱۰. شاخص بهداشت جسمی و روانی

ایمان به خداوند متعال، اساس سلامت روان است که در اسلام از آن به حُسن خُلق تعبیر می‌شود. خدامحوری، انس با قرآن، شکرگزاری، توبه، دعا و نیایش، ارتباطات سالم و توکّل، موجب امنیّت روانی و اجتماعی می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

الف) مهارت‌های زندگی: آگاهی از حقوق و مسؤولیّت اجتماعی، مشورت‌پذیری، حل مسأله و تصمیم‌گیری، هم‌دلی و ارتباط میان فردی و نیز تفکّر خلّاق و نقدپذیر برای توسعه و تعالی افراد جامعه از اهمّیّت فراوانی برخوردارند. هیچ کس هرچند قدر او در حق، بزرگ و ارزش او در دین بیش‌تر باشد، بی‌نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند و هیچ کس اگرچه در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند یا دیگری به یاری او برخیزد (خطبه‌ی ۲۱۶: ۳۱۵).

ب) اوقات فراغت: غنیمت شمردن فرصت‌ها و اوقات فراغت از ملزومات رشد و تعالی جامعه است. در این باره، در گفتار امام علی (ع) آمده است که از دست دادن فرصت موجب اندوه می‌شود (حکمت ۱۱۸: ۴۶۵). آنان که وقتشان پایان یافته است، خواستار مهلت هستند و آنان که مهلت دارند، کوتاهی می‌ورزند (حکمت ۲۸۵: ۴۹۹).

ج) آسیب‌های اجتماعی: پای‌بندی به اخلاق اجتماعی و اسلامی و رعایت آن، زمینه‌ساز شکوفایی جامعه و مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بدین منظور به نیکی‌ها امر کنید و خود نیکوکار باشید؛ با دست و زبان بدی‌ها را انکار کنید و بکوشید تا از بدکاران دور باشید؛ در راه خدا آن گونه که شایسته است، تلاش کنید و هرگز سرزنش ملامتگران شما را از تلاش در راه خدا بازندارد (نامه‌ی ۳۱: ۳۷۱).

۱۱. شاخص تعاملات فرهنگی و بین‌المللی

فرهنگ دینی با راهبردی فعّال و مبتنی بر دغدغه‌ی حفظ دین، با سایر فرهنگ‌ها به تعامل و گفتگو می‌پردازد. با توجّه به آموزه‌های اسلامی، روشی که برای تعامل باید انجام پذیرد، همان روش گفتگو است که مسلمانان اندیشه‌های خود را در قالب آن مطرح می‌کنند. بنابراین، اسلام هیچ‌گاه به تحمیل اندیشه‌های خود نپرداخته است، بلکه وسیله‌ی مورد نظر اسلام، گفتگو و اقناع است. آن چه امروزه می‌توان به آن‌ها افتخار کرد، قرآن و نهج‌البلاغه است (مطهری، ۱۳۷۲). اسلام چشمه‌ساری است که آب آن در فوران، چراغی است که شعله‌های آن فروزان، و نشانه‌ی همیشه استواری است که روندگان راه حق با آن هدایت می‌شوند؛ پرچمی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب شده و آبشخوری است که واردشوندگان آن سیراب می‌گردند. خداوند نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده و بزرگ‌ترین ستون‌های دین و بلندترین قلّه‌ی اطاعت او، در اسلام جای گرفته است (خطبه‌ی ۱۹۸: ۲۹۷).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۲. شاخص کرامت و آزادی‌های انسانی

امیرالمؤمنین (ع) آزادی را لازمه‌ی وجودی انسان و از جمله حقوق افراد به‌شمار می‌آورند و معتقدند که هیچ‌یک از آدمیان برده‌ی دیگری آفریده نشده، بلکه همه‌ی انسان‌ها به‌طور یکسان و آزاد به دنیا آمده‌اند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست. از این رو می‌فرمایند: بنده‌ی دیگری مباش و حال آن که خداوند تو را آزاد آفریده است (نامه‌ی ۳۱: ۳۷۱). بر پایه‌ی سخنان حضرت علی (ع)، آزادی یکی از حقوق انسانی است و خداوند آن را به انسان عطا کرده است. بنابراین حقّ آزادی، ریشه در خلقت انسان دارد و لازمه‌ی وجودی اوست (مطهری، ۱۳۸۰).

۱۳. شاخص خانواده

خانواده خمیرمایه و سنگ بنای جامعه‌ی بزرگ انسانی است. حکمت الهی بنا بر فطرت و آفرینش انسان‌ها، رشد و شکوفایی و دست‌یابی به آرامش و امنیّت روانی را منوط به تشکیل خانواده دانسته است. به فرموده‌ی پیامبر اسلام (ص)، در اسلام هیچ نهادی محبوب‌تر و عزیزتر از خانواده در نزد خداوند بنا نشده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۵۷).

الف) تربیتی و آموزشی: اهتمام به تحصیل و فراگیری علوم و فنون، پرورش اخلاقی و جامعه‌پذیری، زمینه‌ساز رشد و تعالی افراد و بالطبع اجتماع می‌شود. در نهج‌البلاغه درباره‌ی ارزش والای دانش آمده است که دانش بهتر از مال است؛ زیرا علم نگهبان توست، امّا مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی می‌پذیرد، امّا علم با بخشش فزونی می‌گیرد و مقام و شخصیّتی که با مال به‌دست آمده، با نابودی مال نابود می‌گردد. شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که به خاطر آن پاداش داده می شود؛ انسان در دوران زندگی با آن خدا را اطاعت می‌کند و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار می‌گذارد. دانش فرمانروا و مال فرمانبر است (حکمت ۱۴۷: ۴۷۱).

ب) عاطفی: تعلّق خاطر اعضای خانواده به یکدیگر، حمایت آن‌ها از هم و پرورش اخلاقی اعضای خانواده، سهم به‌سزایی در پیشرفت و شکوفایی افراد دارد. خویشاوندان را گرامی بدارید زیرا آنان پر و بال شمایند که با آن پرواز می‌کنید؛ ریشه‌ای هستند که به آن باز می‌گردید و دست نیرومندی هستند که با آن حمله می‌کنید (نامه‌ی ۳۲: ۳۸۳).

ج) حقوقی- تکلیفی: رعایت احترام و ادب متقابل در خانواده، مشورت با والدین و جلب رضایت آنان، احساس مسؤولیّت والدین نسبت به فرزندان و اهتمام به تأمین نیازهای خانواده، از مهم‌ترین امور فردی هستند. امام علی (ع) در زمینه‌ی احترام متقابل و اخلاق اجتماعی می‌فرمایند: باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگ‌سالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(خطبه‌ی ۱۶۶: ۲۲۷). همانا فرزند را بر پدر و پدر را بر فرزند حقّی است؛ حقّ پدر بر فرزند این است که فرزند در همه‌ی امور جز نافرمانی خداوند، از پدر اطاعت کند و حقّ فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد (حکمت ۳۹۹: ۵۱۹).

د) مدیریّتی: نقش سرپرستی، انسجام‌بخشی، مشورتی و وحدت‌آفرینی اعضای خانواده برای یکدیگر، موفّقیّت فردی و اجتماعی را تضمین می‌کند. بنابراین در کلام حضرت علی (ع) آمده است که مراقب زنان نیک باشید و در خواسته‌های نیکو همواره فرمانبردارشان باشید تا در انجام منکرات، طمع نورزند (خطبه‌ی ۸۰: ۷۹).

آن چه می‌تواند روشنی‌بخش حقیقی زندگی در عصر کنونی باشد، الگو قرار دادن زندگی اهل بیت (ع) و پیروی از آن‌هاست. نسخه‌ی بی‌بدیل و نایاب همه‌ی اعصار برای دست‌یابی به آرامش زندگانی، طیّ سلوک معنوی و ساده‌زیستی همراه با عفّت و عزّت و تبعیّت از خانواده‌ی امام متّقیان علی (ع) است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجّه به جایگاه توسعه‌ی فرهنگی در جوامع، به‌نظر می‌رسد معیار مهم در تکوین و شناسایی توسعه‌ی فرهنگی، نوع نگاه به دنیا، عقل، علم و تعامل انسانی و فرهنگی است. توسعه‌ی فرهنگی به این معنا عبارت است از ایجاد تغییر در عناصر فرهنگ برای انطباق با شرایط زمانی و مکانی. اگرچه علم‌گرایی و عقل‌گرایی زمینه‌ی شکوفایی تمدّن جدید را فراهم کرد، امّا در مسیر عقلانیّت ابزاری و یک‌سویه پیش رفته و آثاری چون بحران معنویّت، خلأ اخلاق، فروپاشی نظام خانواده، تشدید قشربندی و طبقات اجتماعی، بحران روانی، بی‌معنا شدن زندگی و آسیب‌های اجتماعی را در پی داشته است. اگر آموزه‌هایی مانند عقل‌گرایی و علم‌گرایی، نگاه مثبت به دنیا، تعامل فعّال با فرهنگ‌های دیگر، نگرش پویا به فرهنگ و باور به آزادی بیان را به‌عنوان مؤلّفه‌های اساسی توسعه‌ی فرهنگی بپذیریم، همه‌ی این موارد را می‌توانیم در آموزه‌های تمدّن‌ساز و فرهنگ‌ساز متون دینی اسلامی که به توسعه‌ی انسانی–به‌عنوان دربرگیرنده‌ی توسعه‌ی فرهنگی– توجّه ویژه کرده است، بیابیم (سعادت، ۱۳۸۹: ۱۶۶). اگر ابزارهای فرهنگی ناسالم، عقاید را سست و مخدوش کنند، فرآورده‌هایی ضدّ انسانی هستند. مقابله با آن‌ها باید با انگیزه‌ی دفاع از انسانیّت صورت گیرد و همه باید در این زمینه، احساس وظیفه کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷۴/۷). به فرموده‌ی شهید مطهری، بشر از علم همچون ابزاری برای اهداف خویش استفاده می‌کند، امّا هدف

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بشر چیست و چه باید باشد؟ علم دیگر قادر نیست اهداف بشر را عوض کند؛ ارزش‌ها را در نظر او تغییر دهد و مقیاس‌های وی را انسانی نماید. آن دیگر کار دین است، کار قوّه‌ای است که کارکردش تسلّط بر غرایز و تمایلات حیوانی انسان و تحریک غرایز عالی و انسانی اوست. انسان علم را در اختیار می‌گیرد و آن را در هر جهت که بخواهد به‌کار می‌برد امّا دین، انسان را در اختیار می‌گیرد و جهت و مقصد او را عوض می‌کند (مطهری، ۱۳۸۳).

امروزه می‌توان رفتارهای امیرالمؤمنین (ع) در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را در دو عرصه‌ی فردی و اجتماعی در کتب روایی مورد مطالعه قرارداد که باارزش‌ترین و بارزترین آن‌ها نهج‌البلاغه است. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره‌ی نقش تقوا در ایجاد توسعه می‌فرمایند: تقوا شما را به مواضع آسایش، سرزمین‌های فراخ، حصارهای محفوظ و سرمنزل‌های عزّت و شکوهمندی می‌برد (خطبه‌ی ۱۸۶: ۲۳۵). از این رو، با بررسی شاخص‌های فرهنگیِ پیشنهادی از سوی دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل اخلاق، عقلانیّت، عدالت، هویّت، سرمایه و نظم اجتماعی، وحدت و انسجام، استقلال فکری و ملّی، کالا و خدمات فرهنگی، بهداشت جسمی و روانی، تعاملات بین‌المللی، کرامت و آزادی انسانی و خانواده، در پرتو سخنان امام علی (ع) آشکار شد که توسعه و رشد فرهنگ اسلامی و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن، زمینه‌ساز توسعه و تعالی حقیقی و همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی اسلامی در تمامی عرصه‌ها می‌گردد. بنابراین، آموزه‌های اسلام نه تنها با مؤلّفه‌های توسعه‌ی فرهنگی به‌عنوان پیش‌شرط اصلی هرگونه ترقّی و پیشرفت، مشکلی ندارد بلکه مشوّق آن است. اگر همین آموزه‌ها به شکل اوّلیّه و ناب خود در فرهنگ مسلمانان جریان یابد، یقیناً کالبد امّت اسلامی رمق تازه‌ای می‌گیرد؛ عزّت و شکوه واقعی خویش را باز می‌یابد و از این طریق به مراحل عالی‌تری از پیشرفت و ترقّی در ابعاد مادّی و معنوی دست پیدا می‌کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. **قرآن کریم**.

۲. **نهج‌البلاغه** (۱۳۸۷) ترجمه‌ی محمّد دشتی، قم: دارالفکر.

۳. آشوری، داریوش (۱۳۹۳) **دانش‌نامه‌ی سیاسی**، تهران: مروارید.

۴. احمدی، محمّدرضا (۱۳۸۷) «**تبیین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی**»، پایان‌نامه دکتری مدیریّت استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملّی.

۵. اخترشهر، علی (۱۳۸۶) **اسلام و توسعه**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۶. بابایی، محمّدباقر (۱۳۸۹) «نقش فرهنگ در اقتدار ملّی از دیدگاه امام علی (ع)»، **فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۹.

۷. پهلوان، چنگیز و دیگران (۱۳۸۱) **توسعه‌ی فرهنگی**، ترجمه‌ی احمد صبوری و شهرآشوب امیرشاهی، تهران: خانه‌ی کتاب.

۸. تامپسون، جان (۱۳۷۸) **ایدئولوژی و فرهنگ مدرن**، ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران: مؤسّسه‌ی فرهنگی آینده‌پویان.

۹. جعفری، محمّدتقی (۱۳۷۳) **فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو**، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۰. خلیلی، نصرالله (۱۳۹۰) «معیارها و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام»، **فصلنامه‌ی معرفت اقتصادی**، شماره‌ی ۲.

۱۱. خلیلیان اشکذری، محمّدجمال (۱۳۸۷) «شاخص‌های توسعه‌ی انسان‌محور در جامعه‌ی مطلوب و آرمانی»، **فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸.

۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) **صحیفه‌ی نور**، تهران: مؤسّسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲) **مفتاح صحیفه‌ی نور**، تهران: مؤسّسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۴. دورکیم، امیل (۱۳۶۹) **درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه‌ی احمد کریمی، تهران: امیرکبیر.

۱۵. رنجبر، مقصود (۱۳۸۱) «آزادی در اسلام»، **بازتاب اندیشه**، شماره‌ی ۳۱.

۱۶. سعادت، عوضعلی (۱۳۸۹) **نقش اسلام در توسعه‌ی فرهنگی**، تهران: انتشارات فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۷. سعادت، عوضعلی و خان‌محمّدی، کریم (۱۳۸۹) **نقش اسلام در توسعه فرهنگی**، پژوهشکده‌ی مطالعات دینی فرهنگ.

۱۸. سعدآبادی، علی‌اصغر؛ پورعزّت، علی‌اصغر و قلی‌پور، آرین (۱۳۹۲) «تدوین الگوی توسعه و پیشرفت در پرتو رهنمودهای امام علی (ع)»، **دو فصلنامه‌ی اسلام و مدیریّت**، سال دوم، شماره‌ی ۳، صص ۴۳-۷۷.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۹. شیخ صدوق (۱۳۷۶) **الهدایه**، قم: انتشارات مؤسّسه‌ی امام هادی (ع).

۲۰. صالحی امیری، سیّدرضا (۱۳۸۶) **مفاهیم و نظریّه‌های فرهنگی**، تهران: ققنوس.

۲۱. طباطبایی، محمّدحسین (۱۳۸۵) **المیزان فی تفسیر قرآن**، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۲۲. طباطبایی، محمّدحسین (۱۳۸۴) **تفسیر المیزان**، جلد ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۳. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمّدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمّد (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون شبکه‌ی مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، **اندیشه‌ی مدیریّت راهبردی**، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۲۴. کواکس، میته (۱۳۸۰) **توسعه‌ی فرهنگی و سیستم اطّلاع‌رسانی**، تهران: خانه‌ی کتاب.

۲۵. مالینوفسکی، برانیسلاو (۱۳۷۹) **نظریّه‌ی علمی فرهنگ**، ترجمه‌ی عبدالمجید زرّین‌قلم، تهران: گام نو.

۲۶. مجلسی، محمّدباقر (۱۳۸۶) **بحارالانوار**، جلد ۷۴، تهران: اسلامیه.

۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) **مقدّمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی**، تهران: صدرا.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴) **مجموعه آثار**، جلد ۱۵، تهران: صدرا.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳) **فلسفه‌ی اخلاق**، تهران: صدرا.

۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران: صدرا.

۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) **سیری در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع)**، تهران: صدرا.

۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸) **ده گفتار**، تهران: صدرا.

۳۳. منصوری، خلیل (۱۳۸۸) «توسعه‌ی فرهنگی در آموزه‌های قرآنی»، **وب‌سایت جامع قرآنی ایکا**.

۳۴. موگهی، عبدالرحیم (۱۳۷۷) **تبلیغ و مبلّغ در آثار شهید مطهری**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۵. نظرپور، محمّدتقی (۱۳۷۸) **ارزش‌ها، توسعه**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۳۶. نقی‌پورفر، ولی‌الله و احمدی، محمّدرضا (۱۳۸۸) «شاخص‌های اقتصادی توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام»، **فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی**، سال هفتم، شماره‌ی ۳۱.

۳۷. نگاهداری، بابک (۱۳۸۶) **درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی فرهنگی**، تهران: نشر امید مجد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]